

سهام داران قدرت منطقه

با این همه پتانسیل‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، در بلند مدت قافیه را نبازیم!



نمونه بنگرید به نقش ایران در سازمان‌های منطقه‌ای. کشورمان اگر چه یکی از اعضای مهم کارتِل پُر قدرت اقتصادی-سیاسی آپک است، اما در تصمیم سازی‌های تجاری و اقتصادی منطقه نقش پُر رنگی را ایفا نمی‌کند

و تنها به یک فروشنده کالای خام بدل گردیده است. علاوه بر این، سهم تجارت‌مان در بازارهای منطقه‌ای هم چنگی به دل نمی‌زند و در قیاس با روند صعودی تجارت قدرت‌های اقتصادی منطقه، روند کُندتری را به خود اختصاص داده است.

بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی (WTO)، حجم تجارت کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در پایان سال ۲۰۰۹ در حدود ۲ هزار و ۲۸۴ میلیارد دلار بوده است که کشورمان با تجارت ۱۳۷/۹۵ میلیارد دلاری خود در این سال، تنها ۶/۰۳ درصد تجارت منطقه را در اختیار داشته است.

غفلت از دهکده جهانی

جهت بررسی عوامل عدم دستیابی ایران به اهداف تجاری منطقه‌ای خود، موارد متعددی وجود دارند که یکی از آنها عدم الحاق به WTO است. در این خصوص باید به این مطلب اذعان کنیم که اگر چه عدم الحاق کشورمان به سازمان تجارت جهانی تا به امروز سبب شده بتوانیم تعرفه‌های بالایی را بر کالاهای وارداتی کشورهای خارجی، اعمال نماییم و از این طریق - جدای از آن که رفاه مصرف کننده را کاهش داده‌ایم - توانسته‌ایم از برخی صنایع نیمه جان و البته کم بازده داخلی حمایت کنیم، اما به این مسأله توجه نکرده‌ایم که عدم اتصال به دهکده جهانی، سبب شده است کشورهای دیگر هم برای وارد کردن کالاهای ایرانی، تعرفه‌های سنگینی را اعمال کنند که از این منظر، توان صادراتی کشور تحلیل رفته است.

علاوه بر این، برای این که کشورمان بتواند به عضویت دایم این سازمان درآید، باید هزینه‌هایی را هم در قبال این عضویت به کشورهای عضو WTO بپردازد، حال آن که عدم عضویت در این پیمان، خود هزینه‌های بیشتری را - به دلیل تنزل حجم تجارت جهانی - برای کشورمان به دنبال داشته و دارد. همچنین تفکر برخی از مسؤولان در سال‌های گذشته که تحلیل درستی از سرمایه گذاری خارجی نداشته‌اند به تنزل حساب سرمایه کشور منجر گردیده که این مسأله تأثیر زیادی در عدم پیشرفت تجاری ایران در منطقه داشته است. به طور قطع جهت بی‌اثر کردن تحریم‌های غرب، کشورمان باید امتیازهای جنابیی را برای سرمایه گذار خارجی در نظر بگیرد و با تبلیغات گسترده، بتواند از ثروت خارجی‌ان جهت رشد اشتغال

این سرمقاله را با یک سؤال آغاز می‌کنیم. جایگاه ایران در منطقه چگونه است؟ به نظر ما که ۱۳ سال در عرصه مطبوعات کشور قلم زده‌ایم، تحقیق کرده‌ایم و مطالعات بین‌المللی انجام داده‌ایم، یقیناً می‌توانیم وضع بهتری در اقتصاد منطقه داشته باشیم. همین الان هم وضع‌مان از بسیاری کشورهای منطقه بهتر است و خدا را شکر می‌توانیم ادعا کنیم جزو اولی‌ها هستیم. با این وضع ما که نگاهمان به افق‌های دور است، لازم است بیشتر به پتانسیل‌هایمان تکیه کنیم. مثلاً کشور ما از بُعد محصول ناخالص داخلی (GDP) در قیاس با بسیاری از کشورهای منطقه رتبه بالایی دارد، اما هنوز کشورهایی نظیر ترکیه و عربستان را در این رقابت باید پشت سر بگذاریم.

کشور ما از منابع زیادی بهره می‌برد که می‌تواند از آنها برای توسعه اقتصادی خود استفاده کند. منابع نفت و گاز یکی از این ظرفیت‌ها محسوب می‌شوند که اگر چه در خلال این سال‌ها همواره از قطع وابستگی به این منابع سخن گفته‌ایم، اما یادمان باشد که منظور از عدم وابستگی، کاهش بهره‌گیری نا مطلوب از منابع است.

به راستی چقدر دیگر باید هزینه کنیم تا عادت وابستگی به درآمدهای نفتی را ترک کنیم و نگاهمان به پتانسیل‌های دیگری در کشور معطوف شود؟ آیا وقت آن نرسیده که برگ‌های برنده دیگری را هم در منطقه رو کنیم؟ آیا وقت آن نرسیده که به منطقه و جهان نشان دهیم که توانی غیر از منابع نفتی و گازی هم داریم؟ به اعتقاد ما، نیروی کار مستعد، بخش خصوصی متعصب، پتانسیل‌های کشاورزی و صنعت، صادرات غیرنفتی، جذب محترمانه سرمایه گذار اعم از داخلی و خارجی و ده‌ها فاکتور دیگر که هر کدام مزیتی در جهت رشد و رونق اقتصادی به حساب می‌آیند، برگ‌های برنده کشورمان محسوب می‌شوند.

تحقیقات «اقتصاد ایران» نشان می‌دهند تراز بازرگانی کشورمان در پایان سال جاری معادل ۱۷/۶۸ میلیارد دلار خواهد بود که اگر صادرات نفتی و گازی - که معادل ۶۵/۹۶ میلیارد دلار می‌شود - را از آن کسر کنیم، تراز بازرگانی غیرنفتی ما معادل منفی ۴۸/۲۸ میلیارد دلار خواهد بود که نگران کننده است. صادرات غیرنفتی ایران

اندک است و سهم کشور در اقتصاد منطقه ناچیز. به همین دلیل است که نگرانیم. نگران از دست رفتن فرصت‌ها، نگران از دست رفتن امکانات، سرمایه‌ها و فرصت‌ها، ترکیه، همسایه غربی ایران که نه از منابع نفتی آنچنانی بهره مند است و نه از منابع گازی زیادی سود می‌برد، در هر دو شاخص GDP جاری و GDP به شاخص قدرت خرید، رتبه اول منطقه را از آن خود کرده است.

به طور قطع این مهم تنها در سایه بهره مندی صادرات غیرنفتی این کشور به ارمغان آمده است و نشان از سهم بالا در اقتصاد و تجارت منطقه دارد. درست است که طی سال‌های اخیر، کشورهای غربی با انواع فشارهای اقتصادی و سیاسی، سعی در به انزوا کشاندن کشورمان در جامعه جهانی داشته‌اند، اما این دلیل نمی‌شود که بخواهیم تمام کاسه کوزه‌های عقب ماندگی اقتصادی و تجاری کشور را بر سر تحریم بشکنیم. ما در بهره مندی از پتانسیل‌های کشورمان کُند عمل می‌کنیم و

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از WTO

تجارت در منطقه (۲۰۰۹)					
کشور	صادرات	واردات	کشور	صادرات	واردات
عربستان	۱۸۹/۰	۹۳/۲	بحرین	۱۹/۱	۱۵/۶
امارات	۱۷۵/۰	۱۴/۱	مراکش	۱۶/۱	۳۴/۴
ترکیه	۱۱۱/۱	۲۰۴/۸	سودان	۱۳/۶	۷/۷
الجزایر	۷۵/۰	۳۶/۸	سوریه	۱۳/۱	۱۴/۳
ایران	۷۰/۱	۶۷/۸	ازبکستان	۹/۹	۶/۵
قزاقستان	۶۶/۵	۳۷/۵	ترکمنستان	۹/۸	۵/۲
عراق	۶۶/۱	۳۳/۵	یمن	۹/۲	۹/۱
قطر	۶۲/۴	۲۴/۹	اردن	۶/۵	۱۵/۶
ژئو صهیونیستی	۵۴/۱	۶۲/۵	لبنان	۳/۵	۱۶/۱
کویت	۴۹/۵	۲۶/۵	قرقیزستان	۱/۶	۳/۴
آذربایجان	۳۸/۲	۷/۴	قبرس	۱/۵	۹/۲
عمان	۳۳/۹	۱۳/۳	تاجیکستان	۱/۴	۳/۲
مصر	۳۳/۳	۵۶/۴	ارمنستان	۱/۲	۳/۵
پاکستان	۲۰/۶	۵۳/۳	افغانستان	۰/۳	۴/۸
تونس	۱۹/۷	۲۳/۰	غزه	۰/۳	۲/۸



از تولید کنندگان و بنگاه‌های اقتصادی ما نه تنها در منطقه که حتی در داخل کشور هم با مشکل فروش کالا و خدمات مواجه‌اند.

در حال حاضر که ۱۶ سال به افق ۱۴۰۴ باقی مانده، کشورمان متناسب با اهداف این افق حرکت نمی‌کند. نگران کننده‌تر آن که رقبای منطقه‌ای با سرعت زیادی در حال پیشرفت و ترقی اقتصادی هستند و روز به روز سهم بیشتری از اقتصاد منطقه را از آن خود می‌نمایند. قطعاً اگر با این روند به حرکت خود ادامه دهیم، نه تنها موقعیت اول منطقه را در ۱۴۰۴ به دست نمی‌آوریم که حتی از رتبه کنونی هم تنزل خواهیم کرد. یقین داشته باشیم که با رقبای پُرفدرتی طرف شده‌ایم و برای دستیابی به اهداف متعالی سند چشم‌انداز باید بیش از اینها تلاش کرد، وگرنه در این کلاف سر در گم رقابتی کشورهای جهان، قافیه را باخته‌ایم. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «ایران در مراودات منطقه» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

و تولید و در نهایت ثروت سازی در ایران استفاده کند که این امر به توسعه محصولات صادراتی و کسب سهم بیشتر در اقتصاد منطقه می‌انجامد. معضل عدم حضور سرمایه‌گذار بخش خصوصی - اعم از خارجی و داخلی - خود از تفکر نابجای دیگری به نام اقتصاد دولت محور شکل می‌گیرد که هنوز پس از گذشت ۳ دهه، شاهد عزم جدی دولت در عرصه رقابت با بخش خصوصی هستیم.

رفع موانع قانونی - که در سال‌های اخیر شاهد بهبود آنها نبوده‌ایم - یکی از ابزارهایی است که می‌تواند انگیزه بخش خصوصی داخلی و خارجی را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی افزایش دهد.

عدم بهره‌مندی از واحدهای تحقیق و توسعه واقعی که در سال‌های اخیر، بیشتر به یک مسأله کلیشه‌ای در مطالعات بازاریابی ایران تبدیل شده است، از دیگر دلایل عدم رشد فزاینده صادرات غیرنفتی ایران است. واحدهای تحقیق و توسعه با شناخت بازار هدف، بنگاه تولیدی را در ارایه محصولی که مصرف‌کننده به آن نیاز دارد کمک می‌کنند و در نتیجه بنگاه در فروش محصول خود با مشکل مواجه نمی‌شود، این در حالی است که بسیاری

ضرورت اصلاح ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی در ایران

قیام و قعود!

نگاه دکتر محمد خوش‌چهره، استاد اقتصاد دانشگاه تهران، به ضرورت اجتناب از تصمیم‌سازی‌های سلیقه‌ای



چرا که یک نظام تصمیم‌گیری علاوه بر آن که باید از منطق سیستماتیک برخوردار شود، باید سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را نیز به نحو احسن مد نظر قرار دهد.

مهجوری کارشناسان

در نظام تصمیم‌گیری کشور ما که نظامی است با نقطه آغازین دولتی و تدوین برنامه‌ها به دست دولت و تأیید نهایی مجلس، بخش عمده‌ای از ساختارهای تصمیم‌گیری از سازمان‌های متولی برنامه‌ریزی گرفته تا شوراهای مختلفی مانند شورای پول و اعتبار و شورای عالی کار، از قبل از انقلاب به ارث رسیده‌اند. بعد از انقلاب در کشور ما قرار بر این شد که نهادهای کشور و سازمان‌های تصمیم‌گیر در بستری علمی، منطقی و متناسب با اهداف کشور شکل بگیرند. در این خصوص، اگر چه این فرآیند تا اندازه‌ای توانست کارساز باشد، اما سوابق نشان می‌دهند که بسیاری از تصمیمات و نگاه‌های شخصی، حتی در حد بالاترین مقام اجرایی کشور، بدون فرآیندی متعارف و بی‌اعتنا به تأیید یا رد نظرات کارشناسی صورت می‌گیرند.

متأسفانه از سال‌های پس از جنگ، بسیاری از سلاقی و باورهای شخصی مبنای تصمیم‌گیری قرار گرفته‌اند. به عبارتی تصمیمات مهم مملکتی ما همان فکری است که به صورت آبی به ذهن تصمیم‌گیران ارشد کشور حتی در سطح رییس‌جمهور می‌رسد. نتیجه آن که چون پردازش کافی روی این تصمیم‌ها صورت نگرفته و از منطق قوی کارشناسی هم برخوردار نیستند، بسیاری از مواقع در مرحله اجرا دچار مشکل می‌شود. به طور مثال، طرح تحول اقتصادی که به مدت ۳ سال شاهد چالش‌های جدی در اجرای آن هستیم، از منطق ایده‌ها و باورهای شخصی نشأت گرفته است.

باید توجه داشت تصمیم‌گیری‌هایی که به صورت دستوری در حوزه‌های مختلف همچون نظام بانکی، سیستم مالیاتی و حتی در صنعت شاهد آنها هستیم، آثار و پیامدهای مختلفی را بر دولت و بخش خصوصی بر جای می‌گذارند. در بسیاری

یکی از مسائلی که در حوزه‌های مختلف اقتصاد ایران اعم از حوزه‌های کاربردی و اقتصاد ملی و همچنین در نظام تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور حایز اهمیت است، بحث ملاحظات ساختاری است. بسیاری از صاحب‌نظران، ریشه مشکلات اقتصاد کشور را در قلمروهای مختلفی همانند ساختار نظام پولی و بانکی، ساختار صنعت ملی و یا ساختار اداری می‌دانند. این امر اگر چه در کشور ما موضوع مهم و قابل قبولی است، اما نتیجه این رویکرد آن است که بسیاری از مدیران تصمیم‌ساز ارشد در کشور، ضعف‌های مدیریتی، کارکردی و برنامه‌ریزی خود را عمدتاً به مشکلات ساختاری نسبت می‌دهند. در این بین، هر چند نمی‌توان نقش مشکلات ساختاری را نفی کرد، اما قطعاً نوع تصمیم‌گیری، ساختار تصمیم‌گیری، ساختار نظام سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و حتی برنامه‌ریزی، تأثیرات به مراتب قوی‌تری را نسبت به ساختارهای پولی، بانکی، اداری و غیره خواهند داشت. لذا در کنار حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، باید ساختار برنامه‌ریزی را هم لحاظ کرد.

بسیاری از ساختارهای کنونی کشور، ساختارهای پیش از انقلاب هستند که برخی از آنها نیازمند تغییر می‌باشند. ما به جای اصلاح و بهبود این ساختارها، ملاحظات ساختارهای کهنه موجود را پذیرفته‌ایم، بدون آن که اصلاحاتی را در آنها انجام داده باشیم. در این شرایط مشاهده می‌کنیم که کارکردها، برون‌داد درستی ندارند. به عنوان مثال، در نظام بانکی ما که ظاهراً بر پایه بانکداری اسلامی بنا شده، علاوه بر فقدان پویایی مورد انتظار، بسیاری از مبانی ضد اسلامی نیز مشاهده می‌شود. برخی، این ناتوانی را به نظریات و تئوری‌هایی ارتباط می‌دهند که در رابطه با بانکداری اسلامی وجود دارند و عده‌ای دیگر، اشکالات ساختاری را مطرح می‌کنند.

باید این نکته را در نظر داشت که ساختار همانند یک ظرف عمل می‌کند و کارکردها که خروجی‌های تصمیم‌گیری محسوب می‌شوند، مظلوم این ظرف هستند. بنابراین باید ظرف متناسب با مظلوم باشد. به عبارتی، اگر از ساختاری استفاده کنیم که کارکرد دیگری را به دنبال داشته باشد، چنین امری به ناکارآمدی در تحقق اهداف می‌انجامد. موضوع دیگر در این دامنه آن است که ساختار و نظام تصمیم‌گیری، از بعد کارکردهای یک نظام و خروجی آن که همان اجرای تصمیمات است، اهمیت می‌یابد؛